

## مسائل وقف

«وقف» آن است که انسان ملکی را ثابت نگه دارد و منافع آن را برای شخص یا اشخاص یا برای کار و یا مصرفی تعیین نماید، مانند اینکه زمینی را برای مسجد یا حسینیه یا مدرسه و یا فقرا مخصوص سازد. به این کار در اصطلاح «وقف» و به مالی که وقف می شود «موقوفه» و به وقف کننده «واقف» و به کسی که برای او یا مصرفی که برای آن وقف شده «موقوف علیه» گفته می شود.

### (مسئله ۱) وقف بر دو نوع است:

۱- «وقف خاص»؛ مانند آنکه چیزی را برای اولاد خود وقف نماید.

۲- «وقف عام» که اختصاص به افراد خاصی ندارد، مانند آنکه چیزی را برای مسجد یا حسینیه و یا فقرا وقف کند.

### (مسئله ۲) اگر کسی چیزی را وقف کند و تحویل موقوف علیه یا متولی دهد از اختیار او

خارج می شود و خود او و دیگران نمی توانند آن را ببخشند یا بفروشند و کسی هم از آن ملک ارث نمی برد، ولی در بعضی موارد که در مسئله «خرید و فروش چیزهای وقفی» گفته شد فروختن آن اشکال ندارد.

### شرایط واقف و وقف:

#### (مسئله ۳) وقف کننده باید بالغ، عاقل و با قصد و اختیار باشد و شرعا بتواند در مال

خود تصرف کند، بنابراین سفیه چون حق ندارد در مال خود تصرف کند اگر چیزی را وقف کند صحیح نیست، همچنین محجور، نسبت به آنچه از تصرف در آن منع شده، نمی تواند اموال خود را وقف نماید.

#### (مسئله ۴) لازم نیست در وقف صیغه خاصی بخوانند، بلکه با هر لفظ یا عملی وقف

بودن چیزی را بفهماند و آن را تحویل دهد وقف صحیح است و به قبول نیاز نیست، لکن در وقف خاص بنا بر احتیاط قبول متولی و یا افراد موقوف علیه زنده لازم است، پس اگر به قصد وقف چیزی را تحویل متولی یا موقوف علیه دهد وقف صحیح است. بلی اگر متولی در موقوفه نبود و یا افراد موقوف علیهم نبودند قبول لازم نیست.

#### (مسئله ۵) زمینی که برای مسجد وقف شده پس از آنکه واقف به قصد مسجد بودن

اجازه دهد که در آن نماز بخوانند، همین که یک نفر در آن به قصد مسجد نماز خواند وقف تحقق می یابد، همچنین است اگر واقف آن را تحویل متولی دهد و وی قبول کند.

#### (مسئله ۶) اگر ملکی را برای وقف معین کند و پیش از خواندن صیغه وقف یا تحویل

دادن آن به قصد وقف پشیمان شود یا از دنیا برود وقف صحیح نیست.

#### (مسئله ۷) وقف باید منجز و بدون تردید انجام شود، پس اگر واقف آن را مشروط به

شرطی کند که وجود آن شرط در حال یا آینده قطعی یا محتمل باشد دو صورت دارد:

الف- چنانچه آن شرط دخالتی در صحیح بودن وقف ندارد، صحت وقف محل اشکال است، مثل اینکه بگوید: «اگر خداوند پسری به من عطا کرد خانه ام وقف باشد».

ب - اگر آن شرط در نظر واقف قطعی است و در صحت وقف دخالت دارد، وقف صحیح است، مانند اینکه بگوید: «اگر آن خانه مال من باشد آن را وقف نمودم».

**(مسئله ۸)** کسی که مالی را وقف می‌کند اگر از موقع خواندن صیغه برای همیشه مال را وقف کند وقف صحیح است، ولی اگر - به عنوان مثال - بگوید: «این مال بعد از مردن من وقف باشد» یا «تا ده سال وقف باشد و بعد از آن نباشد» یا «تا ده سال وقف باشد بعد پنج سال وقف نباشد و دوباره وقف باشد» وقف بودنش محل اشکال است، ولی در دو صورت اخیر احوط آن است بر طبق آن عمل کنند و احکام حبس را بر آن جاری نمایند.

**(مسئله ۹)** وقف در صورتی صحیح است که مال وقف را به تصرف متولی وقف یا کسی که برای او وقف شده یا وکیل و یا ولی او بدهند، و اگر چیزی را بر اولاد صغیر خود وقف کند و به قصد اینکه وقف آنان باشد از طرف آنان نگهداری نماید وقف صحیح است.

**(مسئله ۱۰)** اگر مالی را برای کسانی که به دنیا نیامده‌اند وقف کند صحت آن محل اشکال است، ولی وقف برای اشخاصی که بعضی از آنان متولد شده‌اند صحیح است و آنان که به دنیا نیامده‌اند پس از تولد با دیگران شریک می‌شوند.

**(مسئله ۱۱)** اگر چیزی را بر خودش وقف کند که درآمد آن را به مصرف زندگی خود برساند صحیح نیست، بلکه اگر آن را وقف کند که سود آن را پس از مرگ مثلاً خرج مقبره‌اش نمایند نیز محل اشکال است، ولی اگر مثلاً مالی را برای فقرا وقف کند و بعد خودش فقیر شود می‌تواند از منافع وقف استفاده نماید.

**(مسئله ۱۲)** چیزی که وقف می‌شود باید عین آن موجود و مشخص باشد، بنابراین وقف کردن دین مانند اینکه بگوید: آنچه را از فلانی طلب دارم وقف نمودم، یا وقف نمودن چیزی که مشخص نیست مانند اینکه بگوید: یکی از باغهایم را وقف نمودم صحیح نیست. همچنین اگر منافع چیزی را وقف کند مثلاً بگوید: منافع و استفاده خانه‌ام را وقف نمودم صحیح نمی‌باشد، ولی وقف کردن خانه برای سکونت در آن یا وقف درخت برای استفاده از میوه آن صحیح است؛ هر چند هنگام وقف میوه درخت موجود نباشد.

**(مسئله ۱۳)** مصرفی که ملک را برای آن وقف می‌کند باید معین و حلال باشد، بنابراین اگر ملک خود را برای یکی از چند مسجد بدون تعیین آن وقف نماید، یا آن را برای ترویج باطل و نظایر آن وقف کند صحیح نیست.

### **شرایط ضمن وقف:**

**(مسئله ۱۴)** شرایطی را که واقف برای استفاده از وقف قرار می‌دهد در صورتی که مشروع باشد صحیح است و باید به آنها عمل شود. به عنوان مثال اگر برای سکونت طلاب در مدرسه شرط نماید که نماز شب بخوانند باید به آن شرط عمل نمایند و گرنه نمی‌توانند در آن مدرسه سکونت داشته باشند.

**(مسئله ۱۵)** اگر مثلاً خانه‌ای را برای اشخاص خاصی وقف نماید و از ظاهر وقف یا

نشانه‌های دیگر معلوم شود که منظور واقف حفظ عنوان خانه بوده است، تغییر آن به چیز دیگر - مانند مغازه - جایز نیست، بلکه اگر احتمال حفظ عنوان هم داده شود بنا بر احتیاط واجب آن را تغییر ندهند.

### **تولیت و نظارت بر وقف:**

**(مسئله ۱۶)** اگر برای چیزی که وقف کرده متولی معین کند باید مطابق قرارداد او رفتار نمایند. و اگر معین نکند چنانچه بر افراد مخصوصی وقف کرده باشد، نسبت به چیزهایی که مربوط به مصلحت وقف است و در نفع بردن طبقات بعد نیز دخالت دارد اختیار با حاکم شرع است و نسبت به چیزهایی که مربوط به استفاده طبقه موجود است، اگر آنان بالغ باشند اختیار با خود آنان است و اگر بالغ نباشند اختیار با ولی ایشان است. و برای استفاده آنان از وقف اجازه حاکم شرع لازم نیست.

**(مسئله ۱۷)** اگر ملکی را بر افراد مخصوصی - مثلاً بر اولاد خود - وقف کند تا هر طبقه بعد از طبقه دیگر از آن استفاده کنند، چنانچه متولی ملک آن را اجاره دهد و پس از آن بمیرد، در صورتی که مراعات مصلحت وقف یا مصلحت طبقه بعد را کرده باشد اجاره باطل نمی‌شود، ولی اگر متولی نداشته باشد و یک طبقه از کسانی که ملک بر آنان وقف شده آن را اجاره دهند و در مدت اجاره بمیرند، در صورتی که طبقه بعد اجازه نکنند اجاره باطل می‌شود و در این صورت اگر مستأجر مال‌الاجاره تمام مدت را داده باشد مقدار اضافه را از مال آنان می‌گیرد.

**(مسئله ۱۸)** اگر ملکی را مثلاً بر فقرا وقف نماید یا وقف کند تا منافع آن به مصرف خیرات برسد، در صورتی که برای آن ملک، خودش یا دیگری را متولی قرار داده اختیار آن با متولی است و اگر متولی معین نکرده باشد اختیار آن با حاکم شرع است.

**(مسئله ۱۹)** اگر واقف کسی را متولی یا ناظر بر وقف قرار دهد نمی‌تواند او را برکنار نماید، مگر اینکه به وظیفه خود عمل نکند یا در وقف خیانت نماید. و اگر متولی یا ناظر یکی از صفاتی را که واقف شرط کرده از دست بدهد خود به خود از تولیت یا نظارت کنار می‌رود.

**(مسئله ۲۰)** اگر متولی تعیین شده به وظیفه خود عمل نکند یا خیانت نماید، اگر با تعیین ناظر امینی از خیانت‌های او جلوگیری می‌شود باید حاکم شرع ناظر امینی بر او بگمارد و اگر نمی‌شود حاکم شرع باید به جای او متولی امینی معین نماید.

**(مسئله ۲۱)** ملکی که مقداری مشاع از آن وقف است و مقداری وقف نیست اگر تقسیم نشده باشد، حاکم شرع یا متولی وقف می‌تواند با نظر کارشناس سهم وقف را جدا نماید.

### **مسائل متفرقه وقف:**

**(مسئله ۲۲)** بعد از آنکه وقف با شرایط آن انجام شد قابل به هم زدن نیست، بنابراین واقف بعد از وقف نمی‌تواند از مفاد آن برگردد. و اگر واقف هنگام وقف مریض باشد و به همان مرض از دنیا برود بنا بر اقوی ورثه او نمی‌توانند وقف را به هم بزنند، هر چند بهای ملک موقوفه

از یک سوم دارایی او بیشتر باشد.

**(مسئله ۲۳)** اگر ملکی نظیر درختان یک باغ را بر افراد خاصی وقف نماید به گونه‌ای که میوه آن درختان در ملک آن افراد حادث شود آنان مالک میوه می‌شوند و چنانچه سهم هر یک از افراد به حد نصاب زکات برسد باید زکات آن را پردازد، ولی چنانچه واقف درختان باغ را برای جهتی از جهات عمومی - مانند عنوان فقرا - وقف نماید نه برای افراد خاص، تعلق زکات به میوه آنها معلوم نیست.

**(مسئله ۲۴)** اگر ملک وقف به طور کلی خراب شود، باقی ماندن عرصه آن به وقفیت در بعضی موارد محل اشکال است، ولی بجاست احتیاط شود.

**(مسئله ۲۵)** قبرستانهایی که وقف بوده و در مسیر خیابان قرار می‌گیرند از وقف بودن خارج نمی‌شوند و تصرف و نیز خرید و فروش آنها جایز نیست، ولی عبور و مرور از آنها اگر هتک اموات نباشد اشکال ندارد. و در صورتی که قبرستان ملک شخصی افراد باشد هر گونه تصرف در آن بستگی به رضایت صاحب ملک دارد.

**(مسئله ۲۶)** فرش را که برای حسینیه وقف کرده‌اند نمی‌شود برای نماز به مسجد ببرند، همچنین انتقال کلیه ابزار و وسایلی که برای محل خاصی وقف شده به محل دیگر جایز نیست.

**(مسئله ۲۷)** اگر ملکی را برای تعمیر مسجدی وقف نمایند، چنانچه آن مسجد احتیاج به تعمیر ندارد و احتمال هم نمی‌رود تا مدتی به تعمیر احتیاج پیدا کند، در صورتی که غیر از تعمیر احتیاج دیگری نداشته باشد و منافع ملک در معرض تلف، و نگهداری آن لغو و بیهوده باشد می‌تواند منافع آن ملک را به مصرف مسجدی که به تعمیر احتیاج دارد برسانند. با اذن حاکم شرع بلا مانع است.

**(مسئله ۲۸)** اگر ملکی را به این منظور وقف کنند که سود آن را صرف تعمیر مسجد و کمک به امام جماعت و مؤذن و خادم مسجد نمایند، چنانچه سهم هر یک معلوم نباشد باید نخست مسجد را تعمیر نمایند آنگاه زیادی آن را بین امام جماعت و مؤذن و خادم به طور مساوی قسمت نمایند و بهتر آن است که با یکدیگر مصالحه کنند.

**(مسئله ۲۹)** وقف بودن هر چیز به یکی از راههای زیر ثابت می‌شود:

- ۱ - شهرت بین مردم، به گونه‌ای که موجب یقین یا اطمینان گردد.
- ۲ - اقرار کسی که ملک در اختیار اوست، یا در نبود او وارثانش اقرار نمایند.
- ۳ - مردم با آن به گونه ملک موقوفه عمل نمایند.
- ۴ - شهادت دو مرد عادل.

### حبس ملک

**(مسئله ۳۰)** انسان می‌تواند ملک خود را بدون اینکه وقف کند برای انجام کارهای خیریه یا عبادت حبس کند؛ یعنی استفاده از آن را منحصر در کارهای خیریه و عبادت نماید.

پس چنانچه آن را عملاً برای استفاده این گونه امور در آورد «حبس» محقق شده و نمی تواند آن را به هم بزند، ولی اگر برای مدت محدودی، مثلاً ده سال، حبس کرده باشد، پس از انقضای آن مدت به ملکیت او یا کسانی که هنگام مرگ، وارث او بودند باز می گردد.

**(مسئله ۳۱)** در حبس ملک نیز، نظیر وقف، بلوغ و عقل صاحب ملک شرط است، همچنین نباید سفیه باشد و یا اینکه به واسطه ورشکستگی توسط حاکم شرع از تصرف در اموالش منع شده باشد.

### صدقه

**(مسئله ۳۲)** «صدقه» بر دو قسم است:

- ۱- صدقه واجب؛ نظیر: زکات مال، زکات فطره، ردّ مظالم (یعنی جبران تجاوزات انسان به اموال مردم با جهل به صاحبان آنها که به اجازه مجتهد جامع الشرایط صدقه داده می شود) و کفاره های گوناگون.
- ۲- صدقه مستحب؛ یعنی احسان و اعانت مالی به دیگران که درباره خواص و آثار آن روایات زیادی وارد شده است.

**(مسئله ۳۳)** صدقه دهنده علاوه بر اینکه باید بالغ، عاقل و غیر سفیه باشد و به واسطه ورشکستگی توسط حاکم شرع از تصرف در اموالش منع نشده باشد، باید قصد قربت هم داشته باشد و صدقه را بدون عوض به شخص مورد صدقه بدهد.

**(مسئله ۳۴)** صدقه دهنده پس از تحویل دادن نمی تواند آن را به هم بزند و صدقه را پس بگیرد، هر چند آن شخص از ارحام و بستگان او نباشد.

**(مسئله ۳۵)** کسی که صدقه مستحب را می گیرد لازم نیست مسلمان یا مؤمن باشد، بلکه به کافر فقیری که از اهل ذمه باشد نیز می توان صدقه مستحب داد.

**(مسئله ۳۶)** آنچه را که انسان صدقه داده مکروه است از صدقه گیرنده بخرد یا به عنوان بخشش از طرف او قبول نماید، ولی اگر به ارث به او برسد قبول آن مانعی ندارد.

**(مسئله ۳۷)** ردّ کسی که درخواست کمک کرده و نیز درخواست کمک بدون داشتن نیاز، شدیداً کراهت دارد.